

فرمانده انتظامی مشهد با اشاره به دستگیری عاملان اخاذی از تاجر افغانستانی تشریح کرد

گوش بری هولناک تا سرقت واخاذی های میلیاردی

سید خلیل سجادپور - نیروهای انتظامی مشهد در عملیاتی ضربتی، دو عضو یک باند مخوف اخاذی های میلیاردی را در حالی به دام انداختند که برر سی های پلیسی، ماجرای آدم ربایی یک میلیون دلاری با بریدن گوش گروگان در افغانستان و سرقت و اخاذی های میلیاردی در مشهد را افاش کرد.

فرمانده حافظان امنیت مشهد روز گذشته در تشریح ماجرای دستگیری عاملان اخاذی میلیاردی با جعل عنوان پلیس به خراسان گفت: قذایق اولیه بامداد سیزدهم خرداد، ماموران کلانتری میرزا کوچک خان شهید در جریان اخاذی میلیاردی با اسناد جعلی قرار گرفتند

۶۶ وقتی به هوش آمدم با

زنجیر دست و پا هایم بسته بود

و در یک زیرزمینی قرار داشتم.

گروگان گیران بعد از ۱۵ روز با

پدرم تماس گرفتند و تقاضای ۵

میلیون دلار کردندو...



و بلافاصله برای ریشه یابی موضوع وارد عمل شدند. سرهنگ حسین دهقان پور افزود: باتوجه به اهمیت ماجرا، شبانه گروهی از افسران زبده دایره قضایی کلانتری با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ علی عبدی (رئیس کلانتری میرزا کوچک خان) به طور نامحسوس محل حضور متهمان در خیابان شهید مفتح را به محاصره درآوردند و جوانی به نام «محمد جواد» را هنگامی دستگیر کردند که با در دست داشتن اسنادی امضا شده، مدعی بوداز پسر ۱۶ ساله تاجر افغانستانی مبلغ ۲ میلیارد تومان طلب مالی دارد! اما زمانی که مشخص شد این جوان فقط یک دستفروش ساده دوره گرد است که روسری می فروشد، ماجرا به اخاذی میلیاردی گره خور د و نیروهای انتظامی، او را به کلانتری هدایت کردند. این جوان که با راهنمایی و نظارت مستقیم «سرهنگ عبدی» مورد بازجویی های تخصصی قرار گرفته بود، اظهار کرد که اثر انگشت و امضاهامر بوط به پسر ۱۶ ساله تاجر افغانستانی است اما وقتی ستوان خورشیدی (رئیس دایره قضایی

کلانتری) که سرپرستی این عملیات را به عهده داشت با نوجوان مذکور به صورت اینترنتی و تصویری در

دبی تماس گرفت، مشخص شد که متهم مذکور در اخاذی یک میلیارد و

۲۰۰ میلیون تومانی از این نوجوان نیز نقش داشته است. بنابراین گروه عملیاتی با کسب دستورات قضایی و در یک عملیات تعقیب و گریز درحالی همدست دیگر این متهم را دستگیر کردند که در یک قرار صوری مخفیگاه وی را نیز به محاصره درآوردند.

فرمانده انتظامی مشهد ادامه داد: بادستگیری دو متهم مذکور و افشای ماجرای اخاذی میلیاردی مشخص شد که چندی قبل یکی از دوستان افغانستانی نوجوان ۱۶ ساله، او را به یک دورهمی شبانه دعوت کرده

است و آن هاپس از مصرف مشروبات الکلی، نقشه اخاذی را باهمدستی دو تن دیگر از دوستانشان طرح کرده اند. وی با اشاره به ادعاهای نوجوان ۱۶ ساله و اعضای خانواده اش افزود: این نوجوان هنگامی که از دورهمی شبانه به خانه پدری اش باز می گشت، توسط دو جوان دیگر که خود را مامور انتظامی معرفی می کردند غافلگیر شد و آن ها از وی خواستند تا اسناد، سفته و دیگر مدارک را به منظور تعهد برای آزادی امضا کند و گرنه او را به زندان می برند و موتور سیکلت را هم توقیف می کنند! نوجوان یاد شده نیز که ترسیده بود، آن اسناد را طبق ادعاهایش امضا کرده است ولی چند روز بعد با شکایت دو جوان ناشناس که پسر ۱۶ ساله مبلغ یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان بدهکاری دارد، پدر تاجرو را تحت فشار گذاشته اند و او نیز برای آن که فرزندش دچار مشکل نشود، این مبلغ را به شاکیان قلابی پرداخته بود. سرهنگ دهقان پور تصریح کرد: ولی دوباره ماموران قلابی به طمع افتاده بودند و با اسناد جعلی دیگر قصد اخاذی دو

پیگیری خسارات وارده شده بوده و فعالیت شعبه دانشگاه نیز طبق روال سابق ادامه دارد. بانک ملی در پاسخ به پیگیری باشگاه خبرنگاران جوان، تعداد دقیق صندوق های خسارت دیده را اعلام نکرد.

■ ورود از ساختمان مجاور به داخل بانک

در همین حال مهر جزیاتی از این سرقت را منتشر کرد، بر اساس این خبر، تعدادی از سارقان در تعطیلات اخیر از ساختمان مجاور وارد شعبه ممتاز بانک ملی واقع در خیابان انقلاب رو به روی دانشگاه تهران شدند و حدود ۲۵۰ عدد از صندوق امانات را باز کردند و اموال داخل این صندوق ها را به سرقت بردند. به دلیل این که سارقان به محیط بانک آشنایی داشتند، دستگاه ضبط تصاویر را با خود به سرقت بردند و همین امر باعث شده است که آمار و اطلاعات دقیقی از این سرقت

۶۶ گروگان گیران گوش مرا بردند و از این صحنه دلخراش فیلم گرفتند. سپس بریده گوش مرا با همان فیلم برای پدرم فرستادند



دو تن از متهمان پرونده که یکی از آنان تبعه افغانستان است

۶۶ پس از دریافت مبلغ یک میلیارد و ۲۰۰

میلیون تومان، دوباره ماموران قلابی به طمع

افتاده بودند و با اسناد جعلی دیگر قصد اخاذی

۲ میلیارد تومانی را داشتند که با هوشیاری

نیروهای انتظامی در چنگ قانون گرفتار شدند

میلیارد تومانی را داشتند که با هوشیاری نیروهای انتظامی در چنگ قانون گرفتار شدند. وی خاطرنشان کرد: این در حالی بود که بررسی های پلیس و شواهد و مدارک موجود نشان می داد: تاریخ امضا و اثر انگشت مدارک طلب دو میلیاردی زمانی است که نوجوان ۱۶ ساله اصلا در ایران نبود! و در دبی به سر می برد!

■ ماجرای سرقت

بیش از ۶ میلیارد تومانی از منزل تاجر رئیس پلیس مشهد همچنین به افشای ماجرای سرقت کیف حاوی ارز و طلا از منزل تاجر افغانستانی اشاره کرد و افزود: در انشای تحقیق از متهمان مشخص شد که ریشه آشنایی متهمان به یکی از مظنونان پرونده سرقت میلیاردی با می گردد که مدتی قبل رخداده است. وی در تشریح این حادثه نیز گفت: شبی که اعضای خانواده تاجر افغانستانی در منزل نبودند یکی از دوستان نوجوان ۱۶ ساله مهمان او بود اما شب بعد از این ماجرا، اعضای یک باند سرقت با دریل در ضد سرقت منزل تاجر افغانستانی را تخریب کرده و کیف حاوی بیش از ۶ میلیارد تومان ارز و طلا را به سرقت برده اند.

«کلیددار امنیت شهر» اضافه کرد: با پیچیده شدن ماجراهای این پرونده، نیروهای کلانتری با هماهنگی و دستورات ویژه قاضی جعفری (باز پرس شعبه ۴۱۰ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد) به بازرسی مخفیگاه متهمان پرداختند و تعدادی در جات انتظامی، شوکر برقی و مشروبات الکلی را کشف کردند که بر موضوع اخاذی با جعل عنوان نیروهای انتظامی مهر تایید می زد.

سرهنگ حسین دهقان پور با اشاره به آغاز تحقیقات درباره ارتباط برخی از متهمان فراری این پرونده در باره حادثه هولناک گوش بری یک میلیون دلاری

در افغانستان نیز گفت:

در اثنای تحقیقات گسترده

در باره افراد مرتبط با ماجرای سرقت و اخاذی های میلیاردی، شاکی پرونده که یکی از فرزندان تاجر افغانستانی است، به حادثه گروگان گیری در سال ۹۲ در کابل نیز اشاره کرد که هم اکنون به موضوع این پرونده مربوط نیست اما بررسی های تخصصی در خصوص ادعاهای شاکی و احتمال ارتباط برخی از مظنونان پرونده با ماجرای گوش بری یک میلیون دلاری در افغانستان، هم در دستور کار قرار دارد.

به گزارش اختصاصی خراسان، شاکی ۳۲ ساله این

۶۶ اعضای یک باند سرقت با

دریل در ضد سرقت منزل تاجر

افغانستانی را تخریب کرده و

کیف حاوی بیش از ۶ میلیارد

تومان ارز و طلا را

به سرقت بردند

پرونده در باره ماجرای وحشتناک گروگان گیری و گوش بری در کابل به خبرنگار خراسان گفت: تابستان سال ۹۲، زمانی که ۲۴ سال بیشتر نداشتم از مغازه صرافی پدرم باز می گشتم که حدود ساعت ۶ بعد از ظهر وقتی خودرو را در نزدیکی منزل پارک کردم ناگهان سر نشینان یک دستگاه خودرو با سلاح و پوشش نظامی مرا ربودند و به مکانی نامعلوم بردند. آن ها چشم های مرا بسته بودند و تک می زدند و آمبول بیهوشی تزریق می کردند. وقتی به هوش آمدم با زنجیر دست و پا هایم بسته بود و در یک زیرزمین قرار داشتم. گروگان گیران بعد از ۱۵ روز با پدرم تماس گرفتند و تقاضای ۵ میلیون دلار کردند ولی پدرم از آن ها می خواست تا کمتر بگیرند چرا که توان تهیه این مبلغ را نداشت. بالاخره بعد از حدود ۲۵ روز به یک میلیون دلار راضی شدند ولی وقتی پدرم نتوانست این مبلغ را هم بپردازد آن ها با تزریق داروی بی حسی، گوش مرا بردند و از این صحنه دلخراش فیلم گرفتند. سپس بریده گوش مرا با همان فیلم برای پدرم فرستادند که او به ناچار یک میلیون دلار را پرداخت کرد و آن ها را خودرو و چشم های بسته در چهل و نهمین روز گروگان گیری به خیابانی خلوت آوردند و از من خواستند تا ۱۰۰ بشمارم و بعد چشم هایم را باز کنم! من هم وقتی چشم بند را برداشتم با گوشی تلفنم که در اختیارم گذاشته بودند با خانواده ام تماس گرفتم و آن ها مرا پیدا کردند. بعد از این ماجرا هادر ۹۳ به همراه خانواده و برخی از بستگانمان به مشهد آمدم که حوادث سرقت کیف طلا و ارز و همچنین اخاذی با اسناد جعلی از برادرم رخ داد. حالا هم احتمال می دهم شاید این ماجرا ها با یکدیگر ارتباط داشته باشند! گزارش خراسان حاکی است: با صدور دستوری قاطع از سوی قاضی شعبه ۴۱۰ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، متهمان این پرونده روانه زندان شدند و تحقیقات گسترده توسط نیروهای کلانتری میرزا کوچک خان برای کشف زوایای پنهان این حوادث تکان دهنده ادامه یافت.

ادعای سرقت ۱۰ه۰ صندوق امانت بانک در روز تعطیل



اطلاع از وقوع سرقت پیگیری های لازم برای دستگیری سارق یا سارقان ادامه دارد. شایان ذکر است چند نفر از کارکنان بانک که در بررسی های اولیه در این حادثه قصور و سهل انگاری داشته اند تحت نظر هستند و تحقیقات از آن ها ادامه دارد.

تعداد جان باختگان متروپل باز هم افزایش یافت

تمام ظرفیت به میدان آمدند، تأکید کرد: در سفر رئیس جمهور به آبادان و بازدید از محل حادثه متروپل دستورات لازم صادر شده است. طی دوروز گذشته اخباری از خروج شرعیتی، استاندار سابق خوزستان خبر ساز شد. پس از خبر ایرنا در باره خروج غلامرضا شریعتی برخی کاربران فضای مجازی مدعی شدند که او از حامیان عبدالباقی مالک برج فرورخته متروپل بوده و از کشور خارج شده است. اما پس از پاسخ شرعیتی و خبر رسانه قوه قضاییه درباره نداشتن دلیلی بر مقصر بودن شرعیتی، امروز گذشته به کشور بازگشت.

شد و معاون اجرایی رئیس جمهور در سفر خود به آبادان و بازدید از روند آوار برداری از ساختمان متروپل گفت: مجوز های لازم برای تخریب متروپل پیش بینی شده و پس از یافتن اجساد احتمالی باقی مانده، آوار برداری انجام خواهد شد. به گفته او پایان عملیات آوار برداری و جست و جوی مفقودان توسط مسئولان استان اعلام می شود. او همچنین با اعلام این که عملیات آوار برداری در متروپل با تدبیر پیش می رود و قرارگاه خاتم الانبیا(ص) به عنوان پیمانکار وارد عمل می شود و دیگر دستگاه های اجرایی نیز با

عملیات آوار برداری از ساختمان برج های دو قلو ی متروپل در آبادان که روز دوشنبه دوم خرداد ماه فرورخت، همچنان ادامه دارد. فرماندار آبادان روز گذشته گفت: با خارج کردن پیکر های سه جان باخته دیگر از زیر آوار و شناسایی هویت آن ها تعداد جان باختگان حادثه متروپل به ۴۱ نفر افزایش یافت. احسان عباسپور تأکید کرد: تلاش برای یافتن پیکر های احتمالی زیر آوار توسط گروه های امدادی حاضر در میدان ادامه دارد. دیروز همچنین خبر هایی از تخریب متروپل پس از عملیات آوار برداری منتشر

در امتداد تاریکی

طعمه های در لیست سیاه!

به پیشنهاد همسر سابقم یک سایت کلاهبرداری با عنوان ازدواج موقت راه اندازی کردیم و با شگرد خاصی پول های طعمه هایمان را بالا می کشیدیم و سپس با نصف کردن مبالغ کلاهبرداری شده طعمه

ها را در لیست سیاه قرار می دادیم و ...

به گزارش خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۱۹ ساله ای است که با تلاش شبانه روزی و ردیابی های تخصصی نیروهای اطلاعات کلانتری سیاد مشهد دستگیر شده است. این زن جوان که سنگینی دستبندهای فولادین قانون را بر دستانش احساس می کرد در باره سرگذشت خود و چگونگی کلاهبرداری از طعمه هایش به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری گفت: فرزند آخری یک خانواده ۷ نفره بودم که همه اعضای آن خلافکار بودند. مادرم در خانه های مردم کار می کرد و پدرم نیز با خرده فروشی مواد مخدر روزگاری گذراند در همین حال ۲ برادرم نیز آلوده مواد مخدر شده بودند و به دنبال تأمین هزینه های اعتیادشان بودند و برادران دیگرم نیز روزگارشان را با مصرف مشروبات الکلی سپری می کردند. در این میان هر روز که از خواب بیدار می شدم با سروصدا و درگیری بین اعضای خانواده ام روبه روی شدم تا این که روزی در مدرسه یکی از معلمان متوجه مشکلات من شد و تلاش کرد مرا از این منجلاب نجات دهد اما آن ها قصد داشتند مرا از طریق بزه پستی به یک مکان دیگر منتقل کنند به همین خاطر و از ترس جدایی از خانواده، نه تنها پیشنهاد او را نپذیرفتم بلکه این ماجرا باعث شد تا دیگر درس و مدرسه را هم رها کنم. خلاصه ۱۴ سالم بود که عاشق پسر دختر عمومیم شدم و قصد داشتم با «عظیم» ازدواج کنم. اما پدرم که با برادرزاده اش اختلاف شدید و کینه عمیق داشت با شنیدن این موضوع بسیار آشفته شد و با این ازدواج مخالفت کرد. عظیم که پدري افغانستانی داشت و فرزند طلاق بود در ۳ سالگی به همراه پدر و برادر دیگرش به افغانستان رفته بود و در یک خانواده آشفته زندگی می کرد. او در سن ۱۷ سالگی زمانی دوباره به مشهد بازگشت که دیگر مواد مخدر و مشروبات الکلی مصرف می کرد با آن که من به خلافکاری های او واقف بودم باز هم به خاطر همان عیشتان دوران نوجوانی و هوسرانی های عاشقانه قصد داشتم به هر طریق ممکن با او ازدواج کنم در این شرایط و با پیشنهاد عظیم به شمال کشور قرار کردیم و یک ماه با یکدیگر در استان مازندران بودیم ولی بعد از گذشت این مدت برادرم را در حالی پیدا کرد که خطبه عقد بین ما جاری شده بود.

وقتی به مشهد بازگشتم و من به خانه پدرم رفتم او تا سحر دم مرا بکنک زد. همه فامیل واسطه شدند تا اجازه دهند من و عظیم به طور رسمی با هم ازدواج کنیم ولی پدرم که از این رفتار احقانه من به شدت عصبانی بود و از سوی دیگر هم کینه شتری از مادر عظیم داشت به هیچ وجه توصیه اطرافیان را نپذیرفت.

این گونه بود که من و عظیم برای بار دوم فرار کردیم و در یکی از شهر های خراسان رضوی ساکن شدیم حالا دیگر من کار می کردم تا مخارج زندگی را تأمین کنم ولی عظیم اهل کار نبود و دوست داشت اوقاتش را پای بساط مواد مخدر سپری کند بالاخره ۵ سال با سختی و مشقت زیاد به زندگی مشترکمان ادامه دادم تا این که یک روز با اصرار و پیشنهاد من به مشهد بازگشتم و مانند تلگرام و اینستاگرام به دام من از اقامت ما در مشهد نمی گذشت که دخالت های مادر شوهرم نیز در زندگی ما شروع شد. او دام زبیر گوش عظیم زمزمه می کرد که مرا اطلاق بدهد چرا که معتقد بود وقتی دختری با یک جوان نامحرم از خانه فرار کند باز هم دل به مرد غریبه دیگری می بندد و مسیر هوسرانی را در پیش می گیرد. این حرف ها بر سحر عظیم تأثیر گذاشت و او یک روز که بسیار مست بود به خانه آمد و مرا طلاق داد به ناچار در حالی به خانه پدرم بازگشتم که پدر و مادرم پیرو ناتوان شده بودند و برادران معتادم آن ها را رکنک می زدند تا هزینه های تأمین مواد مخدر را بپردازند. در این شرایط از آن ها شکایت کردم ولی فایده ای نداشت از سوی دیگر نیز مشکلات مالی شدیدی داشتم و نمی توانستم مخارج زندگی را تأمین کنم. در همین روز ها بود که عظیم به سراغم آموذمانی که مشکلات مالی و بدبختی هایم را دید پیشنهاد داد با راه اندازی یک سایت در فضای مجازی در آمد کسب کنیم. او برایم یک سایت (عقد موقت) طراحی کرد و خودش طعمه ها را از شبکه های اجتماعی مانند تلگرام و اینستاگرام به دام من انداخت و با نرم افزار تغییر صدا اعتماد طعمه ها را برای واریز بیعانه جلب می کرد سپس من با آن افراد تماس می گرفتم و از طرف مقابل درخواست می کردم باید قبل از ورود به منزل باقی مانده هزینه های جاری شدن صیغه عقد موقت را واریز کند این درحالی بود که طعمه را با یک نشانی قلابی دنبال خود سیاه می فرستادیم و او زمانی که به آن نشانی می رفت با آدرس اشتباه روبه روی می شد در همین حال نیز من بلافاصله شماره تلفن او را در فهرست سیاه قرار می دادم و به قول معروف بلاک می کردم سپس همه پول ها را با عظیم تقسیم می کردیم و من می توانستم اجاره منزل پدر و مادرم را نیز پرداخت کنم ولی با آن که اتاری از خود در فضای مجازی به جا نمی گذاشتم نمی دانم ماموران اطلاعات کلانتری چطور مرا دستگیر کردند. گزارش خراسان حاکی است باتوجه به اهمیت ماجرا و صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سیاد) بازجویی های تخصصی از این زن جوان آغاز شد.

ماجرای واقعی ا همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی